
بسم الله الرحمن الرحيم

# شرح جامع

# حقوق اساسی

## «حقوق»

مولف: مسلم یعقوبی

انتشارات ارشد

## پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس( منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

**با تشکر**

**ناشـــــر**

**www.arshadbook. ir**

**پیشگفتار مولف**

حقوق اساسی که یکی از شاخه‌های مهم حقوق داخلی است در موضوعات عمومی به اساسی‌ترین مباحث این حوزه یعنی تبیین حقوقی ماهیت جامعه سیاسی، قدرت سیاسی، قوای حاکم، تنظیم روابط قوای سه‌گانه، تضمین و تامین حقوق و آزادی‌های عمومی و اساسی شهروندان می‌پردازد.

امروزه در میانه میدان فرد و جامعه بحث کنترل محدوده عملکرد قدرت حاکمان از یک سو و تضمین حقوق و آزادی‌های ملت از سوی دیگر از موضوعات عمده حقوق اساسی می‌باشد.

در این خصوص کتب متعددی توسط علما و اندیشمندان متخصص در حوزه حقوق اساسی به رشته تحریر در آمده است. و هر یک از اساتید به فراخور توجه و دقت نظر در مباحث خاص از حقوق عمومی نظریاتی را مبذول داشته‌اند که گردآوری و تلخیص همه منابع موجود در درس حقوق اساسی جهت آمادگی داوطلبان شرکت در کنکور تحصیلات تکمیلی مورد توجه اینجانب قرار گرفت و با تجربه‌ای که در تدوین بانک سوالات همین درس (۱۰ سال کنکور سراسری و آزاد) از موضوعات مهم و کلیدی موضوع کسب کرده بودم جهت تسهیل مطالعه علاقمندان به رشته حقوق بین‌الملل و سایر رشته‌های حقوق که درس حقوق اساسی یکی از منابع امتحانی آنها محسوب می‌گردد (حقوق عمومی، حقوق بشر و ...) نسبت به گردآوری و تدوین این مجموعه «شرح جامع حقوق اساسی» که در برگیرنده ویژگی‌های ذیل است اقدام نموده‌ام.

۱- بهره‌گیری از کتب مهم حقوق اساسی موجود که به نوعی در طول سالهای متمادی منبع طرح سوال طراحان سوال سازمان سنجش بوده‌اند.

۲- حذف مباحث زائد کتاب مورد تلخیص و بیان مطالب مهم که برای یادگیری مباحث ضروری و موضوع امتحانی محسوب می‌شوند.

۳- درج نکات مهم در بین مباحث درس و یادآوری موضوعات کلیدی که می‌تواند مدنظر طراحان سوال واقع شود.

۴- استفاده از تجربه گردآوری بانک سوالات ۱۰ ساله کنکور سراسری و آزاد مقطع کارشناسی ارشد در طرح سوالات پایانی هر بخش.

۵- درج سوالات کنکور ارشد سالهای قبل در پایان هر بخش که با موضوع بخشها ارتباط موضوعی دارد.

۶- تقسیم‌بندی کتاب به ۲ بخش اصلی (کلیات حقوق اساسی و مطالعه در ماهیت حاکمیت و نهادهای سیاسی ایران) که منجر به بهره‌برداری مناسب از زمان (مدیریت زمان) توسط داوطلب خواهد بود.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از مسوولین انتشارات ارشد در چاپ و انتشار این مجموعه از کلیه صاحبنظران حوزه تدوین منابع آزمون کنکور تحصیلات تکمیلی در درس حقوق اساسی تقاضا دارم با ارائه نظرات و اظهار نظرهای پیشنهادی این حقیر را در رفع معایب و نواقص احتمالی اثر، مساعدت و یاری نمایند.

**با سپاس**

**مسلم یعقوبی**

## فهرست مطالب

**عنوان** **صفحه**


**کلیات حقوق اساسی و تدوین قانون اساسی**

کلیات ۱۱
نقایص تعریف فوق ۱۲
تعریف نهاد ۱۲
نهاد سیاسی ۱۲
قانون اساسی از دید شکلی ۱۳
از جمله منابع حقوق اساسی می‌توان به ۱۳
کلیاتی در خصوص حقوق تطبیقی؛ لزوم و ضرورت آن ۱۴

**بخش اول: کلیات و مبانی حقوق اساسی**

**فصل اول: دولت و اشکال آن**

کاربرد واژه‌های ترکیبی ۱۷
۱- دولت، نماد قدرت سیاسی ۱۸
۳- منشاء تاریخی دولت ۱۸
تعریف دولت و عوامل متشکله آن ۱۹
مبحث اول: جمعیت ۱۹
ویژگی‌های عقاید آقای دوورژه ۲۰
ماهیت تاریخ و کاربرد آن ۲۱
ب) ملت و اصل تعیین سرنوشت سیاسی ۲۱
اتباع دولت و مسأله تابعیت ۲۲
مبحث دوم: سرزمین ۲۳
رابطه حقوقی دولت باسرزمین: ۲۴
مبحث سوم: قدرت عالی (حاکمیت) ۲۵

**فصل دوم: ترکیب دولت**

مبحث اول - اشکال مختلف دولت ۲۸
الف- ویژگی دولت بسیط ۲۸
وحدت انضمامی ۲۹
ویژگی دولت مرکب ۳۰
فدرالیسم ۳۰
انواع دولتهای مرکب ۳۱
ویژگی کنفدراسیون ۳۱
الف-اصل خودمختاری ۳۲

**عنوان** **صفحه**


ب- اصل مشارکت ۳۲
پارلمان در فدرالیسم ۳۴


**فصل سوم: منشاءحاکمیت دولت وانواع حکومتها**


مبحث اول: حاکمیت سیاسی ۳۵
ماهیت قدرت ۳۵
قدرت در جامعه سیاسی ۳۶
مبحث دوم: حاکمیت و تحول تاریخی آن ۳۶
قلمروحاکمیت وحقوق بین الملل ۳۷
مبحث سوم- حاکمیت دولت به عنوان نماد اراده عمومی ۳۸
انواع وجوه حاکمیت: ۳۸
تحت الحمایگی و قیمومت: ۳۸
مبحث چهارم: منشاء حاکمیت سیاسی ۳۹
۱-نظریه حاکمیت تئوکراتیک: ۳۹
انواع حکومتهای تئوکراتیک ۳۹
منشاء حاکمیت در ایران ۴۰
کلیات ۴۰


**فصل چهارم: طریقه اجرای حاکمیت**


کلیات ۴۳
مبحث اول -حکومت دموکراسی (مردم سالاری) ۴۴
انواع رفراندوم ۴۵
مبحث دوم-دموکراسی ونهاد انتخابات ۴۶
مبحث سوم-دموکراسی و نمایندگی سیاسی ۴۷
ویژگی وکالت درحقوق مدنی ۴۷
مبحث چهارم-تحول دموکراسی و پیوند آن با آزادی ۴۷
مبحث پنجم-انواع دموکراسی غیرمستقیم ۴۸


**فصل پنجم: سازمان دولت**


کلیات و تبیین اصطلاحات ۵۰
قوه مجریه و حکومت ۵۰
مبحث اول- قوه مجریه یادستگاه اجرایی حکومت: ۵۱
قوه مجریه ازلحاظ تعدادوچگونگی ترکیب مقامات اجرایی ۵۱
قوه مجریه از لحاظ شکل وچگونگی تعیین ریاست کشور ۵۳
شیوه انتخاب رئیس جمهور ۵۵
مبحث دوم: قوه مقننه ۵۶
سازمان داخلی مجالس مقننه: ۵۸
انواع کمیسیونهای پارلمانی ۵۹
وظایف واختیارات قوه مقننه ۶۰
انواع آیین نامه‌های اداری ۶۱
همه پرسی (رفراندوم) ۶۲
مبحث سوم: قوه قضاییه ۶۳

**عنوان** **صفحه**

استخدام قضات در ایران ۶۴

**فصل ششم: روابط بین قوه مقننه و قوه مجریه ومساله تفکیک قوا**

مبحث اول: بحث نظری درباره اصل تفکیک قوا: ۶۶
مبحث دوم-مفهوم تفکیک مطلق قوا ۶۷
مبحث سوم-تفکیک عمودی وافقی قوا: ۶۷
مبحث چهارم- حکومتهای ناشی ازتفکیک مطلق قوا (رژیم ریاستی) ۶۸
مبحث پنجم-تفکیک نسبی یاهمکاری قوا (رژیم پارلمانی) ۶۸
ویژگی رژیم پارلمانی ۶۹
انواع رژیم‌های پارلمانی ۶۹
ب-رژیم پارلمانی نامتعادل: ۶۹
مبحث ششم-روابط بین دولت (قوه مجریه) وپارلمان: ۶۹
مبحث هفتم: انتخابات و نظام‌های انتخاباتی ۷۲
مبحث هشتم: طبقه‌بندی حکومتها ۷۵
۱- نظریات کلاسیک (سنتی) ۷۶
طبقه‌بندی های جدید حکومتها ۷۷

**فصل هفتم: قانون اساسی**

چگونگی تدوین قانون اساسی و اقسام آن ۷۹
مبحث اول: تدوین قانون اساسی ۷۹
مبحث دوم: اصول وقواعدقانون اساسی و ارزش حقوقی آنها ۸۱
مبحث سوم: تجدیدنظر درقانون اساسی و تفسیر آن ۸۱
انواع تفسیر: ۸۲
مبحث چهارم: ضمانت اجرای قانون اساسی ومساله کنترل قوانین توسط دادگاه قانون اساسی ۸۲
مبحث پنجم: حدودقدرت دولت ومساله آزادی های عمومی ۸۳
آزادی ۸۴
سیرافکار تساوی طلبی: ۸۶
انواع و اقسام برابری: ۸۶
تست‌های آخر بخش ۸۷
پاسخ تستهای آخر بخش ۱۰۹
تستهای تألیفی آخر بخش ۱۳۷
پاسخ تستهای تألیفی آخر بخش ۱۶۳

**بخش دوم: مطالعه حقوقی حاکمیت و نهادهای سیاسی ایران**

**فصل اول: ماهیت حاکمیت در ایران**

مبحث اول: کلیات حاکمیت و قانون اساسی ایران ۱۹۵
مبحث دوم: اصول حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱
مبحث سوم: حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی که مجموعاً موجب امحاء استبداد می‌شود عبارتند از: ۲۰۸
مبحث چهارم: شکل حکومت در ایران ۲۱۳
۱- اقتدار قوه مقننه ۲۱۳
۲- نفوذ یا اقتدار قوه قضاییه ۲۱۴

**عنوان** **صفحه**

**فصل دوم: نهاد رهبری**


مبحث اول – رهبری در اسلام ۲۱۶
مبحث دوم: رهبری در قانون اساسی ایران ۲۱۷
مبحث سوم: وظایف و اختیارات رهبری ۲۲۰


**فصل سوم: قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران**


مبحث اول: ماهیت قوه مقننه در ایران ۲۲۵
مبحث دوم: کلیات مجلس شورای اسلامی ایران ۲۲۵
شرایط توقف انتخابات ۲۲۸
۳- نمایندگان ۲۳۳
۱) عدم مسئولیت ۲۳۴
مبحث چهارم: شورای نگهبان ۲۴۸


**فصل چهارم: قوه مجریه**


مبحث اول: کلیات ریاست‌جمهوری ۲۵۵
ز- وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه ۲۶۱
مبحث دوم : بخش دولت ۲۶۲
محبث سوم : وزیران ۲۶۴
مبحث چهارم : نیروهای مسلح ۲۶۷
د- ضوابط کلی در نیروهای مسلح ۲۶۹


**فصل پنجم: قوه قضائیه**


مبحث اول: کلیات قوه قضائیه ۲۷۱
مبحث دوم: اهداف و وظایف قوه قضاییه ۲۷۲
مبحث سوم: اداره قوه قضائیه ۲۷۳
مبحث چهارم: سازمانهای پشتیبان قوه قضاییه ۲۸۲


**فصل ششم: نهادهای سیاسی خاص (متفرقه)**


مبحث اول: شوراها ۲۸۴
۲- مبحث دوم: صدا و سیما ۲۸۷
مبحث سوم: شورای عالی امنیت ملی ۲۸۸
مبحث چهارم: مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲۹۰
تست‌های آخر بخش ۲۹۲
پاسخ تستهای آخر بخش ۳۳۸
تستهای تألیفی آخر بخش ۳۹۷
پاسخ تستهای تألیفی آخر بخش ۴۱۷

منابع و ماخذ ۴۲۰

# بخش اول

## کلیات حقوق اساسی

### عناوین اصلی

- فصل اول: دولت و اشکال آن
- فصل دوم: ترکیب دولت
- فصل سوم: منشاء حاکمیت دولت و انواع حکومتها
- فصل چهارم: طریقه اجرای حاکمیت
- فصل پنجم: سازمان دولت
- فصل ششم: روابط بین قوه مقننه و قوه مجریه و مساله تفکیک قوا
- فصل هفتم: قانون اساسی

# کلیات حقوق اساسی و تدوین قانون اساسی

## کلیات

۱- در نیمه قرن ۱۸ در اروپا بر اثر نوشته‌های سیاسی فکر تدوین قانون اساسی ظهور یافت.
۲- از جمله بانیان این اندیشه ژان ژاک روسو است، که در اثر مشهور خود «قرارداد اجتماعی» به آن اشاره کرده است.
۳- منظور از قانون اساسی، برقراری تشکیلات منطقی قوای عالیه مملکتی بود که باید بنا به تصمیم ملت به موجب یک سند کتبی اعلام و برقرار می‌شد.
۴- جامعه مدنی که بتواند توافق کلیه اعضای اجتماع را جلب کند باید براساس یک قرارداد اجتماعی که همان قانون اساسی صورت گیرد.

- واژه constitution ترجمه فارسی آن قانون اساسی می‌باشد. **در اصطلاح حقوق اساسی سه مفهوم دارد**:

۱- تشکیلات سیاسی یک کشور که از نوعی انسجام منطقی و عقلانی برخوردار است.
۲- نوشته قانونی که قواعد پایه و بنیادی سازمان سیاسی کشور را تشکیل می‌دهد و برتر از قوانین عادی است.
۳- رژیم آزاد و لیبرال که در برابر رژیم استبداد و خودکامه قرار دارد.

📖 **نکته:** ابتدا قوانین بنیادی، جنبه اخلاقی و مذهبی داشتند. و گاهی هم جزء حقوق فطری به شمار می‌آمدند، که با رواج نظریه‌های دموکراتیک جنبه حقوقی و سیاسی پیدا کردند.

- جنبش قانون اساسی یک جنبش دموکراتیک است که خواستار تدوین و استقرار قانون اساسی در کشورها و تجدید سازمان سیاسی آنها می‌باشد.

📖 **نکته:** اولین بار تدوین قانون اساسی در سال ۱۷۷۶ با انقلاب امریکا و ۱۷۸۹ انقلاب فرانسه به وقوع پیوست.

📖 **نکته:** نخستین هدف انقلابیون:
۱- صدور اعلامیه حقوق
۲- تدوین قانون اساسی

📖 **نکته:** به تدریج فکر تدوین قانون اساسی جنبه جهانی یافت، تنها کشور مستثنی از این قاعده انگلستان می‌باشد و علت آن هم اینست که انگلستان کشور سنن و عادات و رسوم است و مردمان آن نخواسته‌اند برای خود قانون اساسی بنویسند.

سابقه تدریس قانون اساسی در جهان و ایران:
۱- از اوایل قرن ۱۹ در کشورهای رژیم پارلمانی و دموکراتیک رایج شد.
۲- این درس ابتدا در جمهوری‌های ایتالیا رسماً جزء دروس دانشگاهی شد.
۳- اولین مدرس، فرانسواگیز و که در سال ۱۸۳۴ کرسی حقوقی اساسی را در پاریس تأسیس کرد.
۴- در ایران تدریس این درس بعد از انقلاب مشروطیت، پس از تأسیس مدرسه علوم سیاسی ۱۲۹۲ و مدرسه حقوق ۱۲۹۹ آغاز شد و اولین بار اصطلاح حقوق اساسی در ایران توسط منصور السلطنه به کار برده شد.

**تعریف حقوق اساسی:** رشته‌ای از حقوق **عمومی داخلی** است که در آن از شکل دولت، سازمان قوای عالیه مملکتی

(مقننه، مجریه و قضائیه)، وظایف و اختیارات هر یک از قوای مزبور و روابط آنها با یکدیگر، حدود قدرت دولت، حقوق و آزادی‌های افراد ملت، بحث می‌کند.

## نقایص تعریف فوق

۱- اولاً حقوق اساسی تنها رشته‌ای که به مطالعه قوای دولتی می‌پردازد، نیست، چون حقوق اداری و کیفری و حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی و حقوق کار هم به قوای عمومی به نوعی می‌پردازند.
۲- محدود کردن حقوق اساسی به قانون اساسی دارای اشکالات متعددی است از جمله اینکه: اصول قانون اساسی در برخی کشورها محدود است و در برخی دیگر از کشورها خیلی وسیع است.
۳- در برخی کشورها قانون اساسی نسبت به موضوعات احزاب، نظام انتخابات، افکار عمومی، تبلیغات سیاسی، مطبوعات و رسانه‌ها ساکت است. لذا بدون مطالعه آنها تحقیق در خصوص حقوقی اساسی این کشورها امکان‌پذیر نیست.

## تعریف نهاد

مجموعه عقاید، افکار، باورها، عادات و رسوم اجتماعی منسجم و تنسیق یافته‌ای اطلاق می‌شود که در جامعه وجود دارد و بشر مجبور به تبعیت از آن است. (امیل دور کهایم)

## نهاد سیاسی

نهادهایی هستند که به اموری می‌پردازند، که به گونه‌ای به دولت و امور عمومی مربوط می‌شود.

- در صورتی بررسی نهادهای سیاسی از دیدگاه حقوق اساسی مثمرثمر است، که به طور مستقیم و غیرمستقیم در ساختار سیاسی کشور مؤثر بوده و دارای خصیصه حقوقی و الزامی باشد.
- حقوق اساسی دارای خصلت **حقوقی بوده**، رشته‌ای از **علم حقوق** است و برای افراد الزام دارد و اجرا نکردن آن همراه با بازتاب اجتماعی و **افکار عمومی** است.
- امروزه مولفان حقوق اساسی در تعریف این رشته از حقوق، بیشتر به قواعد و قوانین بنیادی که بر نهادهای سیاسی کشور حاکم «قانون اساسی ماهوی» است توجه دارند، تا قواعد و احکام مندرج در قانون اساسی. (قانون اساسی شکلی)

🕮 **نکته:** افلاطون و ارسطو، دولت شهر را پدیده طبیعی و انسان را بنا به طبیعت خود، موجودی مدنی‌الطبع می‌دانستند و شهر را کانون بررسی‌های و بحث‌های خود قرار می‌داند.

- در نظر ارسطو، دولت شهر، در واقع یک خانواده بزرگ و گسترده بود.
- افلاطون برای شهر (polis) جنبه معنوی و سیاسی قایل بود. از نظر او اصالت با شهر است و فرد جزیی از شهر، (جزیی از کل) غایت نهایی شهر است و بدون آن زندگی برای فرد معنایی ندارد. (اجتماع گرایی)
- ارسطو علیرغم استاد خود افلاطون، شهر را غایت و کمال نهایی نمی‌داند، بلکه غایت شهر (دولت) را تأمین زندگی خوب و رفاه شهروندان، و هدف سیاست را نه فتح شهرهای دیگر، بلکه اداره شهر و تأمین رفاه و سعادت شهروندان قلمداد می‌کند.
- ابن سینا، فارابی هم بر مدنی الطبع‌بودن انسان تاکید داشتند.

## قانون اساسی از دید شکلی

به مجموع اصول و قواعد بنیادی گفته می‌شود که در یک متن رسمی توسط مقام موسس کشور گردآوری شده و به تصویب رسیده باشد.

### علت برتری این قواعد

۱- واضع برتر آن است (مجلس مؤسسان، خبرگان...)
۲- تشریفات تجدیدنظر و اصلاح در آن سخت است.

### قانون اساسی ماهوی (مادی)

به مجموع قواعد و قوانینی اطلاع می‌شود که حاکم بر ساختار سیاسی دولت، روابط قوا، نهادها و سازمان‌های کشور است، که این قواعد می‌تواند:

۱- مدون باشد.
۲- عرفی باشد.
۳- آرا محاکم و نظایر آن باشد. (رویه قضایی)

- قانون اساسی ماهوی دارای ارزش علمی است که ماهیت رژیم سیاسی کشور و حقایق آن را بهتر می‌نمایاند.

📖 **نکته:** از لحاظ علمی، گرایش کشورها به سوی قانون اساسی شکلی (نوشته) است. چون قانون اساسی ثابت و روشن است، ولی قواعد عرفی مبهم و متغییر که اثبات آن مستلزم پژوهش می‌باشد که در مرحله اجرا با اشکلاتی مواجه است.

## از جمله منابع حقوق اساسی می‌توان به

۱- قانون اساسی
۲- قانون عادی
۳- فرامین و اعلامیه‌های بنیانگذاران رژیم
۴- تفسیرهای مربوط به اصول قانون اساسی توسط مراجع صلاحیت‌دار تفسیر
۵- قوانین ارگانیک یا بنیادین
۶- تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های اداری که در اجرای قوانین بنیادی به تصویب می‌رسند.
۷- برخی آراء محاکم قضایی و نیز آراء مراجع دستگاه‌های کنترل‌کننده قانون اساسی
۸- عرف و عادت و رسوم سیاسی
۹- مذاکرات مجالس قانونگذاری
۱۰- عقاید علما (دکترین)

📖 **نکته:** در ایران نهاد کنترل و تفسیر قانون اساسی، نهادی سیاسی است که اعضای حقوقدان وفقیه را در خود جای داده است. (شورای نگهبان)

**تقسیمات حقوق اساسی**

- حقوق اساسی بر دو قسم است:

الف) کلیات حقوق اساسی: که از اصول و قواعد کلی سازمان‌های سیاسی کشور بحث می‌کند.

ب) حقوق اساسی اختصاصی: تنها درباره تشکیلات و سازمان سیاسی کشوری خاص (مثلاً ایران) بحث و گفتگو می‌کند.

📖 **نکته:** در مطالعه تطبیقی حقوق اساسی، مقایسه و ارزیابی نهادهای سیاسی کشورهای مختلف صورت می‌گیرد.

- حقوق تطبیقی یک متد و روش مقایسه بیش نیست، منظور از آن بررسی راه‌حل‌های مختلفی است که دو سیستم حقوقی درباره موضوع واحدی ارائه می‌نمایند.
- در واقع ارزیابی دو یا چند نظام حقوقی و تعیین مزایا، محاسن، معایب و نواقص هر کدام از آنهاست.

**موضوع مقایسه می‌تواند:**

۱- مکانی (در دو کشور مختلف)

۲- زمانی (در یک کشور در زمان‌های مختلف) باشد.

📖 **نکته:** حقوق تطبیقی روشی است (نه شاخه‌ای از حقوق) برای بهتر شناختن حقوق ملی و اصلاح آن، درک و استنباط حقوق بیگانه و ایجاد وحدت و تفاهم بین‌المللی.

## کلیاتی در خصوص حقوق تطبیقی؛ لزوم و ضرورت آن

۱- دانش کاملاً تازه‌ای است که در قرن ۲۰ پا به عرصه وجود گذاشته است.

۲- روشی است برای درک و فهم قواعد حقوقی و بکارگیری آنها (مزایا و معایب قواعد حقوقی داخلی نسبت به مشابه خارجی آن)

۳- توسعه روابط بین‌الملل اعم از تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیز تحصیل زبان‌های بیگانه عامل مهم ظهور این روش از مطالعه حقوق بوده است.

📖 **نکته:** علت عمده مانع توسعه حقوق تطبیقی عبارت است از:

اختلاف اصول و مفاهیم، تفاوت‌های بنیادی و ساختاری نظام‌های حقوقی

📖 **نکته:** مثل وجود دادگاه‌های اداری به علت اهمیت موضوع تفکیک قوا در کشور فرانسه است، در حالی که چنین نهادی در انگستان جایگاهی ندارد. چون آنها معتقدند قضاوت، خواه بین افراد باشد و خواه بین افراد و دولت، ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد. (نمونه‌ای از اختلاف برداشت در اصل تفکیک قوا که اختلاف فاحش را در سازماندهی بین دو کشور فرانسه و انگلیس ایجاد کرده است).

مطالعه حقوق اساسی در دو بخش کلی جداگانه صورت می‌گیرد:

**بخش اول کلیات و مبانی حقوق اساسی**

فصل اول- دولت و عوامل تشکیل‌دهنده آن

فصل دوم -حاکمیت دولت و انواع حکومت‌ها

فصل سوم - سازمان دولت

فصل چهارم - قانون اساسی و احکام آن

فصل پنجم - (حدود حاکمیت دولت و مسأله حقوق و آزادی‌های عمومی

فصل ششم – روابط بین قوه مقننه و قوه مجریه و مساله تفکیک قوا

فصل هفتم- قانون اساسی

**بخش دوم – نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران**

فصل اول – ماهیت حاکمیت ایران

فصل دوم – نهاد رهبری

فصل سوم - قوه مقننه

فصل چهارم - قوه مجریه

فصل پنجم – قوه قضاییه

فصل ششم – سایر نهادهای سیاسی

## بخش اول: کلیات و مبانی حقوق اساسی

### فصل اول

# دولت و اشکال آن

### ۱- معنای لغوی و اصطلاحی واژه «دولت»

در زبان فرانسه به آن (etat) و زبان انگیسی (state) که هر دو مشتق از واژه لاتین (status)

- در لغت به مفهوم وضع و حالت یک شی آمده است.
- در نوشتجات سیاسی بعدها، وضع و حالت کشور و امور عمومی، بکار رفته است.
- واژه دولت به مفهوم کنونی از اوایل قرن ۱۶ در برخی کتب سیاسی چون:

۱- «شهریار» اثر مشهور ماکیاولی (۱۵۱۵)

۲- «شش کتاب جمهوریت» اثران ژان بدن (۱۵۷۶) رایج شده است.

- در اصطلاح حقوق اساسی معنی دولت در مفاهیم زیر به کار رفته است:

الف) دولت به معنی وسیع کلمه، به کشور (جامعه سیاسی) یا جامعه ملی اطلاق می‌شود. مثل ایران، فرانسه، امریکا. منظور بیان این است که کشورهای مزبور جوامع معینی‌اند که در سرزمینی معین، تحت حکومتی خاص زندگی می‌کنند.

ب) دولت به معنی محدود کلمه، **قدرت سیاسی** یا حکومت، که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده دولت است، اطلاق می‌شود. منظور از آن مجموع سازمان‌ها و مقامات سیاسی است که اداره جامعه را برعهده دارد. (مثلاً مردم از دولت ناراضی‌اند چون دولت مالیات سنگین بسته است، در اینجا واژه دولت به دستگاه حکومتی یعنی مجموع سازمان‌ها، مقامات و کارگزارانی اطلاق می‌شود که در جامعه قرار دارند و بر افراد حکومت می‌کنند).

ج) دولت به معنی محدودتر از رژیم سیاسی در میان قوای عمومی که شامل مقننه، مجریه و قضاییه است تنها در این مفهوم به قوه مجریه اطلاق می‌شود. دولت لایحه بودجه را به مجلس تقدیم کرد به همین مفهوم است.

### کاربرد واژه‌های ترکیبی

- دولت- کشور، در معنای (کشور) به کار می‌رود.
- دولت- حکومت، در معنای (رژیم سیاسی) به کار می‌رود.

## ۱- دولت، نماد قدرت سیاسی

- از لحاظ جامعه شناختی لازمه جامعه سیاسی، وجود قدرت سیاسی (دولت) و لازمه قدرت سیاسی، وجود جامعه سیاسی با یک ملت است. **جامعه و قدرت** لازم و ملزوم یکدیگرند و دولت بدون قدرت سیاسی قادر به ادامه حیات سیاسی خود نیست.

🕮 **نکته:** دیدگاه مارکیسستی در خصوص دولت:

آنها دولت را به عنوان یک دستگاه فراساختاری تلقی می‌کنند که می‌بایست حافظ سلطه طبقه کارگر باشد و در یک مرحله از تکامل اجتماع، دولت محکوم به فناست.

## ۳- منشاء تاریخی دولت

از دیدگاه جامعه شناسان، زمانی از دولت به مفهموم امروزی آن، می‌توان گفتگو کرد، که قدرت از عناصر ناخالص آن جدا شده و به شکل یک حاکمیت سیاسی ثابت و مستمری درآید که بر گروه افرادی همگن و متجانس فرمان می‌راند.

### ویژگی قدرت در جوامع اولیه

۱- قدرت قائم به شخص زمامدار بود.
۲- قدرت موروثی و ملک شخصی حاکمان تلقی می‌شد.
۳- اراده شخص حاکم عمومی جامعه، به شمار می‌رفت.
۴- شخصیت حقوقی قدرت سیاسی در شخص زمامدار مستحیل بود.
۵- تحقق قدرت سیاسی متکامل و جدا از وجود شخص زمامدار، قرنها زمان برده است.

### تاریخچه ظهور دولت

۱- ابتدا به صورت دولت – شهرهای کوچک ظهور کرد. (یونان و روم)
۲- با توسعه امپراطوری این نوع دولت – شهرها از بین رفتند.
۳- امپراطوری‌ها جای خود را با تجزیه، به قدرت‌های فئودالی داند، و از دولت مرکزی نام و نشانی باقی نماند.
۴- دولت به مفهوم امروزی، از ابداعات دوره رنسانس است.
۵- در عصر رنسانس با فروپاشی نظام فئودالی، مجدداً دولت‌های بزرگ جای آنها را گرفتند.
۶- از دیدگاه جامعه شناسان فرق بین دولت- شهرهای باستان و دولت- کشورهای امروزی در وسعتشان است، نه در ماهیت آنها.

### تعریف دولت از دیدگاه جامعه‌شناسان

وجود دستگاه حکومتی و قدرت سیاسی در جامعه نسبتاً پیشرفته که به مرحله‌ای از تکامل رسیده و به یک جامعه همگن و متجانس (به نام ملت) فرمان می‌راند.

## تعریف دولت و عوامل متشکله آن

- دولت به گروهی از افراد انسانی اطلاق می‌شود که در سرزمین معینی سکونت داشته و تابع یک قدرت سیاسی عالی باشند.
- عناصر متشکله آن عبارت‌اند از:

۱- جمعیت

۲- سرزمین

۳- قدرت عالی سیاسی (حاکمیت)

## مبحث اول: جمعیت

جعیت عامل انسانی دولت است. بدون جمعیت، دولت وجود پیدا نمی‌کند.

- منظور از جمعیت، از جمعیتی است که افراد آن پیوندها و همبستگی‌های عمیق معنوی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌سازد و او را در عرصه گیتی به عنوان یک ملت قلمداد می‌نمایند.

### لازمه تشکیل جامعه سیاسی عبارتند از

۱) وجود روح ملی

۲) همبستگی‌های اجتماعی

۳) روابط سیاسی

۴) وجود قوه اقتدار حکومت و سازمان فرماندهی

### لازمه تشکیل دولت

۱) عوامل مادی (سرزمین، جمعیت، قدرت)

۲) عوامل اصلی (پایه‌ای) همچون روح ملی، همبستگی و احساس تعلق به جامعه سیاسی.

- دو نظریه مشهور در خصوص تشکیل ملت عبارتند از:

۱) نظریه آلمانی

۲) نظریه فرانسوی

### ۱) نظریه آلمانی

این عده، ملت را گروهی از افراد انسانی می‌دانند که از یک نژاد بوده و دارای تمدن و زبان مشترکی می‌باشند.
تأکید این عده بر عامل نژاد است و آن را رکن اساسی ملیت به شمار می‌آورند.

### پایه‌گذاران این نظریه عبارتند از:

۱- دو گوبینو (فرانسوی)

۲- واشردولاپوژ (فرانسوی)

۳- استوارت چمبرلمن (تبعه آلمان)

**گوبینو معتقد است:**

- نژاد، زبان، مذهب عوامل اصلی تشکیل ملت هستند.
- اختلاف موجود بین نژاد صرفاً مربوط به عوامل جغرافیایی نیست. بلکه از اختلافات ذاتی و فطری آنهاست
- وی نژاد آریا را از حیث:

۱) ظرافت و زیبایی، ۲) هوش و ذکاوت، ۳) فهم و استعداد برتر از سایر نژادها می‌داند.

**عقاید هیتلر**

۱- در کتاب «نبرد من» ملت را اجتماعی از افراد هم نژاد و هم زبان می‌داند، که تاریخ مشترکی دارند.
۲- ملت‌ها را به با فرهنگ و بی‌فرهنگ تقسیم می‌کند.
۳- برای ملت آلمان (آرایا) رسالت تاریخی برای رهبری سایر ملت‌ها قایل است.
۴- نژاد، جزء سیاست و مرام حزب نازی واقع شد.
۵- هدف وی از راه‌اندازی جنگ جهانی دوم، رسیدن به مقاصد سیاسی و تسلط بر جهان بود.

📖 **نکته:** تعریف ملت براساس نژاد یا زبان و مذهب واحد، منطبق با واقعیت‌های تاریخی و وجود خارجی نیست.
(مثل سوئیس که از سه گروه نژادی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی و ایران که از اقوام و زبان‌های مختلف، آذری، عربی، فارسی تشکیل شده است)

**۲) نظریه فرانسوی**

**از جمله نظریه پردازان عبارتند از:**

۱- ارنست رنان
۲- میشله

مدافعان این عقیده می‌گویند، علاوه بر عوامل مادی و غیرارادی مانند: سرزمین، نژاد، زبان، نقش عوامل معنوی مانند: تاریخ مشترک، منافع و هم‌بستگی‌های اقتصادی و سیاسی مشترک، احساسات، آرزوها و آرمان‌های مشترک را نمی‌توان در تشکیل ملت، نادیده گرفت.

در این دیدگاه عامل اصلی تشکیل یک ملت، آن اعتقاد و احساسی است که فرد نسبت به جامعه معینی دارد و خود را متعلق به آن جامعه و شریک سرنوشت آن می‌داند و حتی حاضر است تعصبات نژادی، زبانی و مذهبی را کنار بگذارد و با آن گروه انسانی، زندگی مشترک در پیش بگیرد و در این راه فداکاری و ایثار کند.

## ویژگی‌های عقاید آقای دوورژه

- تفکیک بین عوامل مادی و عوامل معنوی، امری تصنعی است.
- پیش از آنکه عوامل مادی و غیرارادی را عامل اساسی تشکیل ملت دانست، طرز تفکر تلقی اعضا یک جامعه ملی را از عوامل مزبور در موضوع، مؤثرتر است.
- در آلمان بیش از آنکه نژاد در تکوین ملت آلمان دخیل باشد، افسانه نژاد، عامل اصلی بوده است. (عامل معنوی)
- ایشان در بین تمام عوامل، برای تاریخ، نقش مهمی قائل است و آن را عامل اساسی در بسط روح ملیت، می‌شمارد.

- منظور از تاریخ، تمام حوادث و وقایع تاریخی است که یک ملت در طول زمان پشت سرگذاشته است و هر ملت از آن، خاطرات غرور آمیزی دارد، که امیال و خواسته‌های او را توجیه می‌کند.

## ماهیت تاریخ و کاربرد آن

۱- در تمام کشورها آموزش تاریخی وسیله‌ای است برای پرورش **احساسات ملی** و آموختن **درس میهن پرستی** برای نسل‌های تازه.
۲- هر ملتی با آموختن تاریخ به خصایص و امتیازات و **هویت ملی** خو پی می‌برد.
۳- همواره از تاریخ به عنوان وسیله‌ای برای برانگیختن **غرور ملی** (حس ناسیونالیستی) و احساسات خطرناک برتری جویی همواره استفاده شده است.
۴- دیکتاتورها گاهی از تایخ به عنوان مخدری برای فریب افکار عمومی و آن را وسیله‌ای برای توجیه مقاصد پلید و تجاوزکارانه خود قرار داده‌اند.

## ب) ملت و اصل تعیین سرنوشت سیاسی

📖 **نکته:** هر ملتی، که در تعیین سرنوشت سیاسی خود آزاد است وحق دارد برای خود تشکیل دهد موید این حق وجود دو اصل است.

**۱- اصل ملت‌ها: (آزادی ملت در تعیین سرنوشت خود)**

وجود این اصل وجود منطقی آزادی و **حاکمیت ملی** است که با **انقلاب کبیر فرانسه** اعتبار جهانی یافت.

- اصل ملیت‌ها به هر ملتی حق می‌دهد، طبق خواست اعضا و افرادش سرنوشت سیاسی خود را در اختیار داشته باشد.
- وجود این اصل در قرن ۱۹ و ۲۰ در رهایی ملت‌ها از یوغ استعمار نقش مهمی را ایفا کرد.
- اصل حاکمیت ملت در سرنوشت خود در ماده ۷۶ منشور ملل متحد و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مورد تأکید قرار گرفته است.

📖 **نکته:** اصل ملیت‌ها منطبق با اصول عدالت و برابری ملت‌هاست.

📖 **نکته:** اصل ملت‌ها عملاً در مورد ملت‌ها عملاً در مورد ملت‌هایی قابل اجرا است که با جدا شدن آنها از یک دولت بتوانند تشکیل دولت مستقل را بدهند. (حفظ وضع نظم عمومی موجود)

📖 **نکته:** اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی که در نقاط مختلف یک کشور به صورت پراکنده زندگی می‌کنند عملاً نمی‌توانند به استناد اصل ملیت‌ها، دولت جداگانه تشکیل دهند و زندگی مستقل در پیش گیرند.

**مسأله اقلیت‌ها (که یک موضوع داخلی دولت‌هاست)**

- این موضوع داخلی، همواره دستاویزی بر مداخلات دولت‌های بزرگ در امور داخلی دولت‌های ضعیف بوده است.
- اقلیت‌ها اصولاً تابع همان قانونی هستند که در مورد اتباع کشور اجرا می‌شود.

- در طول تاریخ بارها به موجب عهدنامه‌هایی بین‌المللی حق حاکمیت دولت‌ها در مورد اقلیت‌ها محدود شده است.
- مسأله حمایت از اقلیت‌ها، فاقد ضمانت اجرای بین‌المللی است.
- امروزه سعی می‌شود در **قانون اساسی**، حقوق اقلیت‌ها از لحاظ تساوی حقوق مدنی و سیاسی با سایر اتباع کشور صریحاً تضمین و تعیین شود.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها را صریحاً برای همه افراد می‌شناسد و دولت‌ها را مکلف می‌کند که از هر گونه تبعیضی در این باره خودداری کنند.

📖 **نکته:** مشکلات اقلیت‌ها در کشورهای فدرال با **اعطای خود مختاری به ایالات** حل شده است.

📖 **نکته:** مشکلات اقلیت‌ها در کشورهای کمونیست و بسیط نیز با توسل به سیستم عدم تمرکز اداری و منطقه‌گرایی حل شده است.

## اتباع دولت و مسأله تابعیت

**اتباع**: مجموع افرادی که به عنوان اعضا یک ملت، از نظام و قوانین آن کشور تبعیت می‌کنند.

**تابعیت:** رابطه محکم **حقوقی** سیاسی و معنوی است، بین اتباع و دولت متبوعه، که اقامت در خارج از کشور هم نمی‌تواند موجب قطع شدن آن شود.

- تابعیت متضمن یک سلسله **حقوق و تکالیفی** برای دارنده آن می‌باشد. تبعه، همان گونه که از امتیازات مدنی و سیاسی شهروندی کشور متبوع خود بهره‌مند است، باید الزامات (تکالیف) آن را نیز پذیرا باشد.
- مباحث مربوط به تابعیت (تحصیل، ترک تابعیت و...) از مباحث **حقوق بین‌الملل خصوصی** است.
- برابر اصل ۴۱ قانون اساسی ایران:

«تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است. دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. »

- کسب تابعیت و یا از دست دادن آن بستگی به **قانون** هر کشور دارد. (جزء قواعد حقوق داخلی)

**موارد بی‌تابعیت (آپاترید) عبارت است از:**

۱) در کشورهایی که تابعیت بر پایه سیستم خون باشد، کودک متولد از پدر و مادر نامعلوم بی‌تابعیت محسوب می‌شود. (مگر آنکه طبق اصل خاک تابعیت محل تولد بر آن تحمیل شود.)

۲) شخص، تابعیت خود را به عنوان مجازات از دست بدهد، بدون اخذ تابعیت کشور دیگر.

۳) چنانچه شخص تابعیت دولت متبوع خود را ترک کند، بدون اینکه تابعیت کشور دیگری را پذیرفته باشد.

📖 **نکته:** در تمامی موارد فوق چون شخص تابعیت کشوری را ندارد از حقوق و مزایای داشتن تابعیت، محروم و بلاتکلیف خواهد بود.

📖 **نکته:** مطابق مقاوله نامه‌های بین‌المللی تقلیل بی‌تابعیت، مورخ ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱، دولت‌های متعاهد، حق ندارند از اتباع خود، سلب تابعیت کنند. (به دلایل نژادی، مذهبی، سیاسی...)

📖 **نکته: سلب تابعیت به عنوان مجازات نیز** خلاف قواعد حقوق بین‌الملل است.

📖 **نکته:** تابعیت یک مفهوم متغییر بوده و با جابجا شدن مرزها تغییر پذیر است، حال آنکه ملیت یک مفهوم معنوی و عاطفی است و وابسته به مرزهای سیاسی نیست.

**امت:** یک مفهوم اعتقادی و ایمانی است که ملاک آن تدین به دین (اسلام) است که معمولاً گروه‌ها، اقوام و نژادهای مختلف را در برمی‌گیرد.

**فرق ملت با امت:**

۱- امت مفهوم دینی (اعتقادی) است.
۲- ملت مفهوم **سیاسی** است.
۳- امت یک گروه انسانی وسیعی است که افراد آن پیرو یک دین، یک آیین هستند.
۴- هیچ عاملی از قبیل: مکان جغرافیایی، نژادی، زبان، اعضا آن را از پیروی آن دین و آیین آن، مقید و محدود نمی‌سازد. (مثل: امت اسلامی، امت مسیح، امت یهود...)

## مبحث دوم: سرزمین

**سرزمین**

۱- عامل **مادی** دولت است.
۲- شامل بخشی از آب، خاک و فضاست.
۳- جایی که دولت در آن فرمانروایی می‌کند.
۴- تشکیل دولت بدون سرزمین مفهومی ندارد.

**استثنائات تاریخ**

۱- اشغال سرزمین (فرانسه و فلسطین)
۲- تشکیل دولت قبل از ورود به سرزمین معین (دولت ایالتی، ماساچوست امریکا)

**رابطه سرزمین و تشکیل دولت**

- سرزمین چارچوبی طبیعی، که محدوده اجرای قدرت را ممکن و میسر می‌سازد.
- محدوده فرمانروایی را معین می‌کند.
- سرزمین عامل اصلی وحدت ملی است. (تمایز ملیت‌ها و تشخیص هویت)
- سرزمین عامل سازنده **روح همبستگی** است.
- سرزمین وسیله تحقق **استقلال دولت و آزادی عمل قدرت** سیاسی است.
- سرزمین به ملت **تجسم عینی** می‌بخشد و موجب بقا و **حاکمیت ملت** می‌شود.

**پدیده مرز**: مرز پدیده ای نوظهور است.

- فکرتعین دقیق مرز به قرن ۱۶ باپیشرفت علوم: جغرافیایی وریاضی بر می‌گردد.

**انواع مرز:**

۱) طبیعی (رشته کوه‌ها، رودخانه، دره‌ها)

۲) مصنوعی (میادین مین، سیم خاردار و...)

📖 **نکته:** خط القعر: خط وسط عمیق ترین نقطه قابل کشتیرانی رودخانه راگویند (ژرفاب-تالوگ)

کشورهایی که بین آنها **رودخانه قابل کشتیرانی** باشدازاین شیوه جهت تعیین مرزاستفاده می‌کنند. (مثل رودخانه اروندرودبین ایران وعراق)

**مرزهای دریایی**

مرزدولتهای محدودبه دریا، عبارتست از: آخرین نقطه آبهای که دراصطلاح حقوق بین الملل آبهای ساحل (آبهای سرزمین) نامیده می‌شود.

📖 **نکته:** طول آبهای ساحلی ازخط مبدابه سمت دریا۱۲ **مایل دریایی** است (کنوانسیون۱۹۸۲ژنوحقوق بین الملل دریاها) به موجب قوانین مصوب ۱۳۳۸و۱۳۷۲آبهای ساحلی ایران در دریای عمان وخلیج فارس ۱۲مایل دریایی است.

📖 **نکته:** حاکمیت دولت به آبهای ساحلی ختم نمی‌شود، بلکه دولتها دراین منطقه حاکمیت **مطلق** دارند ولی دروری آبهای سرزمینی مناطق دیگری (منطقه مجاور، فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی) وجوددارند، که **حاکمیت نسبی** درآنجا توسط دولت ساحلی اجرا می‌شود.

**قلمروهوایی**

قلمرو هوایی هردولت شامل فضای بالای **سرزمین وآبهای ساحلی** آن می‌باشد.

📖 **نکته:** کنوانسیون۱۹۴۴شیکاگو، تعیین مقررات پروازهواپیماهابرقلمروهوایی هرکشوررابه خودآن کشورواگذارکرده است.

**مرزهای غیرطبیعی (مصنوعی):**

درجاهایی که عوارض طبیعی جهت تعیین مرز موجودنباشد، ازعلایم مصنوعی مانندسیم خاردرا، خندق؛میله وغیره استفاده می‌شود، دربعضی کشورها مرزبراساس مدارهای جغرافیایی تعین شده است.

(کره شمالی وجنوبی مدار۳۸درجه ومرزکشورهای ویتنام شمالی وجنوبی براساس مدار۱۷درجه)

📖**نکته:** سرزمین یکی ازعوامل تامین **وحدت ملی** است وآن رااستوارترومحکم ترمی‌سازد.

## رابطه حقوقی دولت باسرزمین

الف-نظریه مالکیت: دولت به عنوان شخص حقوقی، مالک سرزمین ملی است. (این نظریه درست نیست چون مالکیت خصوصی افرادرانقض می‌کند.)

ب-نظریه حاکمیت وفرمانروایی: این نظریه ردشده است به این علت که:
۱-حاکمیت تنهابرانسانهاصادق است نه سرزمین واموال.
۲-حاکمیت دولت محدودبه سرزمین نیست چون دربرخی مواقع به خارج از مرزها به همراه افراد (اتباع) هم گسترش می‌یابد.
ج-نظریه حق عینی سازمانی: این نظریه مورد**تایید اکثر علمای حقوق** است.
۱-عینی یعنی این حق مستقیماً برخاک وسرزمین ملی جاری است.
۲-سازمانی، یعنی، محتوای حق مزبوررا**مقتضیات منافع عمومی** تعیین می‌کند.
دراین مفهوم، حق دولت برقلمرونوعی **مباشرت وسرپرستی** تلقی می‌شود.

🕮 **نکته:** یکی ازاصول مهم حقوق عمومی، غیر قابل انتقال وغیرقابل تجزیه بودن سرزمین دولت به عنوان اساس حاکمیت شناخته شده است.

🕮 **نکته:** محدوده سرزمینی درمواردی طبق توافق ومعمولا**معوض** قابلیت تغییروانتقال رادارد. البته موارد دیگرتغییرمحدوده قلمروسرزمینی وجود دارد که عبارتنداز:
۱) شورشها
۲) مبادله (شوروری سابق، آلاسکا رابه آمریکافروخت)
۳) **تجزیه:** (اتحاد جماهیر شوروری به ۱۳ کشور مستقل با سرزمین معین، تجزیه شد.)

🕮 **نکته:** وفق اصل حقوق بین الملل، اشغال نظامی یعنی تصرف قلمرو توسط دولت کشورخارجی هیچ وقت موجب انتقال مالکیت وحاکمیت دولت نیست (یکی ازاصول حقوق بین الملل عمومی و**استقرارثبات صلح جهانی** است). مثل محکومیت دولت عراق در اشغال نظامی کویت۱۹۹۲باز پس‌گیری آن.

## مبحث سوم: قدرت عالی (حاکمیت)

### کلیات

۱) دولت، عالیترین گروه اجتماعی است و برسایرگروههای اجتماعی برتری دارد.
۲) قدرت دولت، سازمان یافته تر، قوی تروعالیترین قدرت اجتماعی است.
۳) سایر گروه‌های اجتماعی، تحت نظارت عالی قدرت عمومی دولت، هستند.
۴) قدرت دولت مستقل وذاتی است.
۵) دولت مهمترین گروه سیاسی است که دارای عالیترین قدرتهاست.

🕮 **نکته:** سازمان دولت نسبت به سایرگروههای اجتماعی کاملتر، روح همبستگی بین افراد واتباع آن نیرومندتر است.

🕮 **نکته:** در نظریه موریس دوورژه، فرق میان دولت با سایر گروهای اجتماع یک **موضوع کمّی** است تا ماهوی.
فرق دولت باسایر اجتماعات از نظر موریس دوورژه:

**الف-تکامل سازمان دولت**

۱) تقسیم کار بین فرمانروایان

الف) وجودقانون گذاران

ب) وجود مجریان

ج) وجود نظّار و قضات

۲) وجود نظام سیستم پیشرفته ضمانت اجرا

- وجود مجموعه کاملی از ضمانت اجراها (مجازاتها و تنبیهات) که نظیر آن درسایر گروههای اجتماعی یافت نمی‌شود. دولت باوجودسیستم کامل ضمانت اجرا، می‌تواند تصمیمات خود را به موقع اجرابگذارد وتسلط خودبرسایر گروههای اجتماعی را هموار سازد.

۳-استفاده انحصاری ازقوه قهریه

وجودقوای مسلح در ید دولت، تضمین اجرای قوانین ومقررات عمومی است.

هیچ گروه اجتماعی به جز دولت، حق استفاده ازقوه قهریه نظیرپلیس ونظامیان راندارد. (قوای نظامی مظهرحاکمیت دولت است.) در طول تاریخ همواره قوای قهریه نشان برترحاکمیت، تلقی شده است.

**ب- وسعت همبستگی اجتماعی**

افراد یک ملت همواره، علایق ملی ومیهنی خود رابرسایر علایق (خانوادگی، قبیله ای، صنفی) ترجیح داده اند.

- درتاریخ جهان، ناسیونالیسم (ملی گرایی) همواره به عنوان یک ایدئولوژی آزادی بخش، محسوب می‌شود وازبرکات آن بوده است که بسیاری ازملتها توانسته‌اند ازیوغ استعمارگران رهایی یابند. (عامل استقلال برخی کشورها اروپایی در قرن ۱۹ ودربسیاری از کشورهای افریقایی وآسیایی وامریکای لاتین وجود روح ناسیونالیسم بوده است.)

📖 **نکته:** بعد از جنگ جهانی دوم براثر نضج (رشد) **افرادمسلکی ومرامی، همبستگی** های ملی، تضعیف شده است.

📖 **نکته:** اگر چه ناسیونالیسم یک آرمان آزادی بخش محسوب می‌شود، لکن خشونتهایی راهم درطول تاریخ به‌همراه داشته است.

📖 **نکته:** دولت – ملت درسر راه نیل به آزادی وحکومت جهانی، مرحله ای ازتاریخ بشر است که ناگزیرهستیم این دولت – ملتهاراتحمل کنیم.

**قدرت عالی ومساله مشروعیت**

مشروعیت یک رابطه**اعتقادی وایمانی** است که بین قدرت (دولت) وافراد وجود دارد، بودن آن دولت انسجام واستحکام لازم رانخواهد داشت ودولت غیرمشروع وغاصب، دولت سستی وبی دوام است.

- مشروعیت آن صفتی است، که از دیدگاه جامعه یا اکثرافرادجامعه، حکومت وزمامداران باید آن دارا باشند.

به اعتقادجامعه شناسان، قدرت عالی باید درانظارعمومی ازمشروعیت برخورداباشد. بدون چنین کیفیتی نمی توان به آن، نام دولت را اطلاق کرد.

در نظرجامعه شناسان **عامه مردم** هستند که درخصوص:

۱) حقانیت حاکمیت

۲) درجه خلوص
۳) خدمت گذاری
زمامداران قضاوت می‌کنند.
- عقایدعامه مردم درخصوص مشروعیت حکومت ریشه درگرایشهای:

۱) مذهبی
۲) فلسفی
۳) اخلاقی دارد.

📖 **نکته:** آنچه مهم است اعتقاد وایمانی است که مردم درسر دارندوهمین امر موجب اعتبار وتداوم حکومت می‌شود.

### انواع قدرت دولت (حکومت)

۱-**قدرت مادی:** شامل قوای قهریه، سازمان وتشکیلات دولت است.
۲-**قدرت معنوی**: پشتوانه مردمی که همین حمایت معنوی، به دولت واعمال آن مشروعیت می‌بخشدوبقائ آنراتضمین می‌کند.
- مشروعیت یک امرعقیدتی است، که از وجدان جامعه سرچشمه می‌گیرد و همواره به عنوان عامل اخلاقی ومعنوی قدرت عمومی ومیزان قضاوت مردم درباره حاکمیت در طول تاریخ بوده است.

نظرات عمده مشروعیت قدرت وحاکمیت سیاسی عبارتنداز:
۱-تئوکراتیک (ماورایی)
۲-دموکراتیک (مردمی)

📖 **نکته:** حاکمیت نامشروع، نه تنها ارزش اطاعت راندارد بلکه سرپیچی از فرامین آن یک **تکلیف اخلاقی** است.

### شخصیت حقوقی دولت

علاوه بر عناصر سه گانه (جمعیت، سرزمین، حاکمیت) شخصیت حقوقی هم، دخیل درتشکیل دولت است.
- دولت به عنوان نماد قدرت سیاسی دارای حقوق وتکالیفی است.
- حکومتها وزمامداران با گذر زمان متغیرند وحتی باعوض شدن آنها، حقوق وتعهدات دولتها درمقابل دولتهای دیگر (در حقوق بین الملل) محفوظ می‌ماند.
- شخصیت حقوقی، **نهاد حقوقی** است که به تدریج با پیشرفت تمدن بشرپیدا شده است. این نظریه بهتر از هرنظریه دیگری توجیه کننده تداوم ونامحدود بودن دولت-کشور می‌باشد.

### مزایای این نظریه (شخصیت حقوقی داشتن دولت)

۱- تصمیمات واقدامات زمامداران به نام دولت وجامعه انجام می‌شود.
۲- از تصمیمات واقدامات شخصی آنهامتمایز می‌شود.
۳- حدود اختیارات زمامداران، در چهارچوب قانون معین می‌گردد.
۴-شخصیت حقوقی از لوازم **تحقق آزادی وحاکمیت ملت** است.
۵-بدون شخصیت حقوقی هیچ دولتی قادر به ادامه حیات واعمال حقوق ومنافع خود نیست.
۶-با از بین بردن شخصیت حقوقی دولت، آزادی واستقلال دولت، به خطر می‌افتد.

**فصل دوم**

# ترکیب دولت

## مبحث اول - اشکال مختلف دولت

دولتها از حیث شکل و ترکیب ساختاری به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف) دولت بسیط

ب) دولت مرکب

دولت بسیط واقسام آن: دولت بسیط یا تکبافت دولتی را گویند که در آن تمام اتباع وافراد کشور ازیک مرکز فرمانـدهی تبعیت کنند.

### الف- ویژگی دولت بسیط

۱) همه افراد از یک مرکز فرماندهی که معمولا درپایتخت مستقر است تبعیت می‌کنند.

۲) همه کشور به صورت یک مجموعه اداره می‌شود. لذا:

الف) دارای شخصیت حقوقی واحد

ب) قانون اساسی واحد

ج) قوانین عادی واحد می‌باشد

۳) انواع دولت بسیط از حیث اداره تقسیم می‌شود به:

الف) متمرکز

ب) غیر متمرکز

#### ۱) دولت بسیط متمرکز

- در این نوع دولت همه نقاط کشور تابع یک مرکز است.
- تمام امور توسط ماموران مرکزی اداره می‌شود.
- یک فرماندهی وتصمیم گیری تمام امورملی ومحلی را برعهده دارد.
- تقسیماتی مانند شهر، استان، بخش برای تسهیل امور ایجادمی‌شود.
- در این تقسیمات همه ماموران دولتی، به نام دولت مرکزی عمل می‌کنند.